ارتباط فقر با قانون‌گريزي و شكل‌گيري آسيب اجتماعي

صمد كلانتري*، رسول رباني**، كامران صداقت***

مقاله حاضر به بررسي ارتباط ابعاد فقر با قانون‌گريزي شهروندان مي پردازد و فرضية اصلي آن اين است كه فقر و قانون گريزي آسيب‌هاي عمده اجتماعي هستند كه در تعامل با هم مي باشند و هر چه شدت فقر افزايش يابد هنجارها , قوانين و ساختارهاي تنظيم‌كنندة روابط اجتماعي انسان ها ضمانت اجرايي خود را از دست مي دهند. از اين رو براساس نظريه ساختاري فرصت مرتن , بوم‌شناختي برگس, تكنيك خنثي‌سازي ساترلند و نظريه تضاد به تحليل ارتباط ابعاد فقر با قانون‌گريزي پرداخته شد.

جامعه آماري بررسي حاضر شهروندان تبريز و حجم نمونه طبق فرمول كوكران 670 نفر بود كه نمونه ها به روش خوشه اي چند مرحله اي استخراج شدند و گردآوري داده ها با پرسشنامه و مصاحبه صورت گرفته كه عمده ترين

* دكتراي جامعه شناسي, عضو هيأت علمي دانشگاه اصفهان <Kalantari_Samad@yahoo.fr>
** دكتراي جامعه‌شناسي, عضو هيأت علمي دانشگاه اصفهان
*** دكتراي جامعه‌شناسي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

نتايج آن به شرح زير است: 90 درصد از شهروندان در 6 ماه دوم سال 83 حداقل يكبار قانون گريزي كرده اند. با اين وجود قانون گريزي يك آسيب اجتماعي جدي است و با پايگاه اقتصادي ـ اجتماعي شهروندان در ارتباط است و طبقه فقير جامعه شهري ميزان قانون گريزي بيشتري دارند. همچنان‌كه براساس مدل رگرسيوني به ترتيب فقر اقتصادي ـ اجتماعي, فقر نگرشي به قانون , فقر ديني , فقر فرهنگي و فقر شهروندي بسترهاي مساعدي را براي قانون‌گريزي و توجيه اعمال قانون گريزانه فراهم مي كند و فرد را در موقعيت هاي هدف‌يابي به مكانيسم هاي خنثي سازي هدايت مي‌كند تا به روش هاي فردي و غيرهنجاري عمل نمايد.

كليدواژه‌ها: آسيب اجتماعي, فقر ، قانون‌گريزي

تاريخ دريافت مقاله: 84/2/3 تاريخ پذيرش مقاله: 84/6/12

مقدمه

قانون‌گريزي يك بيماري مسري است كه در حال حاضر بخش اعظمي از مردم كشور به آن مبتلا شده اند (نجفي توانا , 12:1381) و ريشة آن عدم نظم پذيري است كه به دليل گسترش فقر و شكاف طبقاتي است . زيرا نظم پذيري مختص اشخاصي است كه حداقل نيازهاي طبيعي, فرهنگي و اجتماعي‌شان تأمين شده

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

باشد. (همان: 13) در مقابل نظم گريزي مترادف با قانون‌گريزي است كه عوارض آن قانع نبودن شخص به حقوق خود , تعرض به حقوق ديگران , عدم انجام تكليف, گريز از مسئوليت و وصول به مقصود به هر طريق ممكن است.

از اين‌رو در شرايط نظم‌گريزي عملاً انواع آسيب‌ها حيات اجتماعي را تهديد مي كند كه عوامل چندگانه و عمده اي در آن دخيل اند. بنابراين در مقاله حاضر به گزارش مصاديق نظم گريزي و ميزان قانون‌گريزي شهروندان به عنوان نمودي از آسيب اجتماعي پرداخته ايم و ارتباط فقر با قانون‌گريزي را بر اساس نظرية بوم‌شناسي مكتب شيكاگو, ساختار فرصت رابرت مرتن, نظرية نابهنجاري دوركيم , خنثي‌سازي سايكس و ماتزا, تلة فقر رابرت چمبرز و نظريه تضاد تبيين كرده ايم. در اين مقاله منظور از فقر صرفاً جنبة اقتصادي و معيشتي آن نيست بلكه فقر فرهنگي, فقر مدنيت (شهروندي) و فقر ديني را نيز شامل مي شود. يافته‌هاي تجربي مقاله نيز حاصل مطالعة پيمايشي بر روي شهروندان تبريز است كه در حوزه‌هاي متفاوت طبقات شهري اجرا شده است.

1) بيان مسئله

پايبندي و دلبستگي افراد جامعه به قوانين و اجراي صحيح آن‌ها و يا بي اعتنايي به قوانين و شانه‌خالي كردن از اجراي درست آن‌ها داراي آثار و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

نتايج آشكار و پنهان در ابعاد اجتماعي , سياسي, فرهنگي و اقتصادي مي‌باشد.

اساساً آسيب‌هاي اجتماعي ناشي از روابط انساني است كه جامعه را به طور جدي تهديد مي كند و يا تحقق نيازمندي ها و تقاضاهاي افراد كثيري را مانع مي‌گردد. آسيب اجتماعي وقتي به وجود مي آيد كه به نظر مي رسد نهادهاي تنظيم‌كنندة روابط بين افراد با شكست روبرو شده و دچار تزلزل شوند كه نتيجة آن شكل‌گيري شكاف‌هاي عميق بين افراد است. بنابراين در چنين شرايطي شاهد دوگانگي انسان ها از نظر وضعيت فرهنگي , اقتصادي, اجتماعي خواهيم بود كه باعث مي شود افرادي كه از توانمندي پائيني برخوردارند به تقاضاها و تأمين نيازمندي‌هاي خود در چارچوب نهادهاي مدني دسترسي پيدا نكنند . در اين وضعيت قوانين تنظ يم‌كنندة روابط انسان ها مورد بي احترامي قرار مي گيرند و متزلزل مي‌شوند. چرا كه قانونمندي و پذيرش قانون ريشه در ساختارهاي جامعه دارد و در رابطه با فرهنگ عمومي جامعه قابل بررسي است . گرايش شهروندان به قانون و اجراي آن نيز در گرو داشتن آمادگي جسماني (عدم فقر ج سماني), آگاهي (عدم فقر فكري) و احساسي (عدم احساس تبعيض) است. زيرا در صورت عدم رعايت قانون كه بخشي از آن وابسته به فقر فرهنگي , اقتصادي و اجتماعي است

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

مي‌تواند وضعيت كلي اجتماع را دچار انواع دشواري‌ها نموده و ساخت هاي اقتصادي نامطلوب و بي‌عدالتي‌ها و به طور كلي نارضايتي و نابساماني عمومي را سبب شود و در نهايت منجر به ورشكستگي دايره انسجام اجتماعي و درهم گسيختگي نظام اجتماعي گردد، الزامات و مؤلفه ها و مهارت هايي كه در جامعه مدني ضروري است شكل نگيرد و در نهايت موجبات آسيب‌هاي اجتماعي را فراهم آورد كه نمونه‌هايي از آن‌ها عبارتند از: تشكيل گروه هاي فشار, عدم توجه به بهداشت اماكن , ايجاد آلودگي‌هاي صوتي و ديداري, عدم حفظ اماكن عمومي, آسيب رساندن به وسايط نقليه عمومي, از بين بردن حرمت افراد جامعه, بي‌توجهي به قوانين راهنمايي و رانندگي و نيز پرداختن به مشاغل غيرقانوني . (ماهرويي, 13:1381)

از اين رو در تبيين قانون گريزي بر اساس فقر نمي‌توان صرفاً به بعد اقتصادي آن توجه كرد. زيرا فقر شهروندي و نيز فقر فرهنگي و اجتماعي نيز به عنوان ابعاد ديگري از فقر هستند كه در گسترش و شيوع آسيب هاي اجتماعي اهميت اساسي دارند . در اين مقاله سعي شده است مصاديق قانون گريزي بر مبناي حوزه هاي فقر فرهنگي, اجتماعي و شهروندي تشريح شود. در اين زمينه پرسش اساسي اين است كه تا چه حد فقر اقتصادي, اجتماعي، فرهنگي, ديني و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

شهروندگرايي آمادگي افراد را براي قانون گريزي فراهم مي‌آورند و باعث شكل‌گير فرهنگ قانون‌گريزي مي‌شوند.

2) تعريف مفاهيم و متغيرها

2-1) ميزان قانون‌گريزي

عبارت است از ناديده گرفتن قواعد رفتاري و هنجارها كه داراي ضمانت هاي اجرايي رسمي مي‌باشند. شيوع تكرار اين رفتار، ميزان قانون‌گريزي افراد را تعيين مي كند. (ماهرويي، 1381؛ مؤمني، 1381؛ ابطحي، 1375؛ قنبري، 1375) مانند عدم پرداخت ماليات , اشتغال بدون مجوز, بي‌توجهي به علائم راهنمايي و رانندگي و... كه در اين مطالعه 21 مصداق عيني بر اي قانون‌گريزي كه گروه وسيعي از شهروندان را پوشش مي‌دهد پس از تعيين اعتبار انتخاب شد و در مقياس فاصله‌اي طبق معادلة زير سنجيده شد:

$$\frac{\text{تكرار موارد قانون‌گريزي در طول ماه دوم سال 1383}}{\text{كل موارد احتمال قانون‌گريزي}} \times 100 \times 6$$

2-2) طبقه اقتصادي ـ اجتماعي

عبارت است از جايگاه منزلتي و توانمندي اقتصادي گروهي از افراد در سلسله مراتب قشربندي اجتماعي كه طبق شاخص نام ـ پاورز (Nam-Powers) از روي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

معيارهاي وجهه شغلي , درآمد و امكانات رفاهي تعيين مي‌شود و از طريق رتبه گذاري معيارهاي فوق و جمع اين رتبه ها محاسبه مي شود. (ميلر, 394:1380)

2-3) فقر فرهنگي

منظور از فقر فرهنگي به زعم جيمز كلمن عبارت است از نداشتن ارتباط متقابل مستمر با خانواده و نيز منزلت اجتماعي پائين كه ناشي از عدم احساس امنيت در كنش متقابل اجتماعي مي باشد. مانند: كم‌توجهي خانواده , طلاق والدين، اعتياد والدين، كم‌سوادي والدين و... . (كلمن, 240:1377)

2-4) شهروندي

سطح برقراري ارتباط با نهادهاي جامعه و توانايي تحليل مسائل اجتماعي، سياسي , فرهنگي و اقتصادي همراه با مراقبت از محيط زندگي خود مي باشد (Richards, 2004:8). مانند: دانستن اسامي مديران ارشد شهري, پذيرش مسئوليت‌هاي اجتماعي و ...

2-5) نگرش ديني

عبارت است از وضعيت اعتقادي، احساسي، ادراكي و عاطفي انسان در مواجهه با امر قدسي (خداوند) هنگام انجام فعاليت هاي روزانه. مانند: اعتقاد داشتن به معاد و پاسخگويي به اعمال خود. (جلالي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

مقدم, 40:1379)

2-6) نگرش به قانون

عبارت است از ارزيابي فايده و انتظار فايده از رعايت قانون و حقوق ديگران (رفيع‌پور, 26:1371). مانند: اين احساس كه رعايت قانون باعث احساس موفقيت مي‌شود. يا قانون در همه جا وجود دارد يا قانون به نفع همه مردم است.

3) مباني نظري

زندگي اجتماعي انسان به وسيلة هنجارها, قوانين, و مقررات اداره مي شود. اگر افراد جامعه به قوانين و مقررات و هنجاري هاي اجتماعي كه رفتار آن‌ها را به عنوان مناسب و نامناسب تعريف مي‌كنند, مقيد نباشند, فعاليت انسان متوقف يا دچار هرج ومرج خواهد شد. (احمدي, 11:1377) آن‌گاه نظم اجتماعي مختل مي شود و در آن صورت افراد جامعه با هنجار يهاي اجتماعي كه مبين نظم اجتماعي است هم نوا نگرديده و مرتكب رفتارهاي انحرافي و انواع قانون شكني‌ها مي شوند. در اين ميان اگر جامعه داراي تضاد طبقاتي و شيوع فقر در ابعاد اقتصادي, فرهنگي و اجتماعي باشد؛ شدت ناديده گرفتن مباني ارزش ها, هنجارها و قوانين از طرف افراد بيشتر مي شود كه پيامدهاي آن نيز گسترش آسيب‌هاي اجتماعي در حوزه هاي مختلف روابط

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

متقابل افراد جامعه است. (همان منبع)

در اين زمينه دوركيم معتقد است كه وقتي نوسانات شديد اقتصادي همة ابعاد زيستي را دچار نابساماني مي‌كند, تنظيم اجتماعي سست مي شود و ميزان قانون‌گريزي در جامعه اوج مي‌گيرد. به زعم دوركيم نوسانات شديد اقتصادي كه منجر به گردآوري ناگهاني ثروت و يا از دست رفتن آن مي‌شود, تأثير قاطع‌تري دارد و از نظر زماني براي دوران طولاني‌تري فرآيند انطباق اجتماعي و اطاعت از قوانين و عرف را به عنوان نيروهاي اجتماعي كاهش مي‌دهد, زيرا موجب تغيير ناگهاني ارزش هاي اجتماعي مي‌شود, و در مردم حالت سردرگمي عارض مي‌شود. (مؤمني, 32:1381)

به طوري‌كه نوسانات شديد اقتصادي و بي هنجاري اقتصادي شكاف طبقاتي را افزايش مي دهد و در اين حالت اكثريت افراد جامعه قادر به تأمين نيازمندي‌هاي خود نمي‌شوند و در تلة فقر گرفتار مي‌گردند. (چمبرز, 83:1998) و سعي مي‌كنند با توسل به وسايل مختلف در راستاي هدف‌گذاري‌هاي جامعه حركت نكنند كه در نتيجه انواع قانون گريزي‌ها و قانون‌شكني‌ها شكل مي‌گيرد.

3-1) نظريه ساختاري فرصت, فقر و قانون‌گريزي

رابرت مرتن در نظريه ساختاري فرصت توضيحات جامعه‌شناختي متقاعدكننده اي در مورد ارتباط فقر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

با قانون‌گريزي ارائه مي‌كند. او استدلال مي‌كند, جامعه‌اي كه تأكيد زيادي بر موفقيت مادي دارد و ميزان دارايي را معيار موفقيت افراد مي‌شناسد, ثروت به عنوان يك هدف فرهنگي و اجتماعي شناخته مي‌شود و غالب مردم عملاً مي‌پذيرند كه موفقيت , قاطعانه با معيار ثروت و ماديات سنجيده مي‌شود. از آن‌جا كه قشر كوچكي در جامعه دسترسي گسترده‌اي به امكانات و اهداف مالي دارند , ولي قشر وسيع‌تري دسترسي ناچيزي به شيوه‌هاي درآمدزا , آن‌چنان كه موافق و مطلوب معيارهاي سنجش موفقيت باشند, مي‌يابند. بنابراين براي گروه مردم (فقرا) ابزار و هدف اجتماعي بر هم منطبق نيستند. اين گروه هدف را مطلوب مي‌داند ولي امكان دسترسي به آن را ندارد . از نظر مرتن در اين شرايط مردم فقير به روشهاي مختلف سعي بر انطباق اجتماعي مي‌نمايند. سعي اين افراد در گزينش شيوه‌هاي انطباق با هدف اجتماعي ممكن است به طيفي از رفتارهاي مختلف , از قبيل فراهم آوردن امكانات جديد براي خود كه مورد قبول جامعه نيست و يا روي‌آوري به رفتارهاي غيرقانوني براي كسب درآمد و ثروت باشد . در مجموع از نظر مرتن وقتي فقر در جامعه گسترش مي‌يابد كه جامعه ابزار و امكانات توليد ثروت را يكسان توزيع نمي‌نمايد و استعداد و توانايي اعضاي جامعه براي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

تلاش مشروع نيز به طور يكسان پرورش نمي يابد. بنابراين در اين شرايط بايد انتظار داشت كه فقرا براي تطبيق پذيري، رفتارهاي غيرقانوني بيشتري براي پاسخگويي تقاضاها و رفع نيازهاي ضروري خود انجام دهند . (عبداللهي, 127:1378؛ مؤمني، 1381)

مرتن استدلال مي‌كند كه در شرايط نابهنجار فوق افراد فقير با توجه به باورها, اعتقادات و قدرت تفكر و تحليل رفتار خود و بعضي ويژگي هاي فردي ديگر بر رفتارهاي تخلف آميز و غيرقانوني صحه مي‌گذارند و يا به آن عمل مي كنند كه نتيجه آن تضعيف قانون و عادي جلوه دادن قانون گريزي است. در چنين اوضاعي كه قانون گريزي عادي جلوه داده مي‌شود, آسيب اجتماعي در حوزه هاي عمومي ارتباطات انساني گسترش مي يابد و بخش عظيمي از رفتار قانون‌گريزانه شخص از حيطه كنترل وي خارج مي شود كه هرچه سطح ناتواني و يا احساس ناتواني و فقر فرد بيشتر باشد دليل تراشي براي ق انون‌گريزي او نيز افزايش مي‌يابد كه روان‌شناسان اجتماعي به آن تكنيك خنثي‌سازي گويند.

منظور از تكنيك خنثي سازي در قانون گريزي توسط افراد اينست كه اكثر افراد به‌طور روزمره و براي امور مختلف در مراكز دولتي , حوزه هاي عمومي زندگي و كسب و كار به توجيه قانون شكني بر اساس

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

انكار مسئوليت شخصي مي پردازند و قانون شكني را حق عقب‌ماندگي يا ناتوان بودن خود مي دانند كه مي‌توانند به بازده هاي مثبت رسند . (صالحي, 117:1378) اگر مكانيسم خنثي سازي نيز به طور عام شكل گيرد , آنگاه فرهنگ قانون‌گريزي شكل مي گيرد كه از نظر ساترلند براساس الگوي انتقال فرهنگي, رفتارهاي غيرقانوني از طريق كنش متقابل به ديگران آموخته مي شود و نوعي فرهنگ قانون گريزي مبتني بر توجيه زرنگي شكل مي گيرد كه به دنبال فرهنگ فقر انواع رفتارهاي بزهكارانه و مجرمانه را نيز تقويت مي‌كند. (گر, 24:1379)

2-3) تبيين ارتباط فقر با قانون‌گريزي در نظرية بوم‌شناختي

نظريه بوم شناختي به تحليل سيستمي از ميزان هاي قانون‌گريزي و جرم كه به لح اظ جغرافيايي در يك شهر يا سكونت‌گاه توزيع مي‌شوند اشاره مي‌كند. در اين نظريه ميزان هاي قانون گريزي و مصاديق آن اغلب به صورت نقشه ترسيم شده و با سا ير ويژگي‌هاي اقتصادي و اجتماعي ساكنان در ارتباط گذاشته شده است. يكي از پيش فرضهاي اساسي نظريه بوم‌شناسي كه در مكتب شيكاگو توسعه يافته است اين است كه آن دسته از حوزه هاي درون شهرهاي تجاري و صنعتي كه به لحاظ اجتماعي دچار بي‌سازماني شده اند ارزش‌ها و سنت هاي قانون‌شكني و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

رويآوري به رفتارهاي بزهكارانه را توسعه ميدهند. براساس نظريه برگس مناطق طبيعي شهر مخصوصاً منطقة انتقالي به وسيلة شاخصهاي ويژه اي نظير سطح بالاي تحرك و تراكم جمعيت , ويراني خانهها, تنگ بودن كوچه ها و خيابان ها, پائين بودن سطح بهداشت عمومي اما كن و نيز وجود گروههاي خرده فرهنگي همراه با پايگاه اجتماعي ـ اقتصادي پائين ساكنين اين مناطق مشخص مي شوند؛ كه نسبت به ساير مناطق شيوع رفتارهاي قانونگريزانه و اعمال خرابكارانه بيشتر است . (ممتاز, 1381: 88)

3-3) تبيين ارتباط فقر با قانون گريزي بر اساس نظريه تضاد

در نظرية تضاد رفتار قانون گريزانه از يك تقلا و نزاع ميان طبقات بالاي جامعه كه مالك ابزار توليد هستند و افراد طبقه پائين كه فاقد ابزار توليدند شكل ميگيرد. در اين نظريه به زعم كارل ماركس بيشتر بزهكاري ها و رفتارهاي قانون شكنانه به وسيله طبقات پائين انجام ميشود و اين نه به دليل تمايل و علل روان شناختي مربوط به فقرا و طبقات پائين است بلكه به علت محدوديت هايي است كه از طريق طبقة مسلط بر ابزار و نهادهاي قدرت بر طبقات پائين و فقرا اعمال مي شود. بهزعم اين نظريه وجود تضادهاي گسترده در جامعه و طبقاتي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

شدن انسان‌ها, باعث مي‌شود تا افراد طبقه پائين دچار از خودبيگانگي شوند و از خودبيگانگي كه به معني احساس از دست دادن كنترل بر زندگي اجتماعي است احتمال اعمال قانون گريزانه را براي فرد فراهم مي آورد كه به طور جبري انجام مي‌شود. از نظر ماركس در چنين فرآيندي افراد فقيري كه دچار از خودبيگانگي مي شوند به احساس پوچي, بي‌قدرتي, بيزاري از خود , بي‌اعتمادي و خشونت مي رسند كه پيامد چنين وضعيتي باعث اخلاق‌زدايي و بي توجهي به ارزش هاي هنجاربخش جامعه مي‌شود. تا جايي كه افراد طبقه پائين و فقير به انكار ارزش هاي اساسي جامعه , هنجارهاي اجتماعي و استانداردهاي تثبيت شده رفتار مي‌پردازند. (احمدي, 59:1377-58) زيرا جهت گيري قوانين و نظام وضع آن را به خود نسبت نمي‌دهند و با قوانين هنجاربخش به‌عنوان بيگانه برخورد مي‌كنند.

3-4) تحليل ارتباط فقر فرهنگي با قانون‌گريزي

بي‌سوادي و كم سوادي, ناآگاهي و جهل به قانون , تعدد و تنوع خرده فرهنگ ها و توزيع و استفاده نابرابر از امكانات و خدمات آموزشي و فرهنگي در سطوح محلي و ملي و گسترش روزافزون ارتباطات فراملي, به پيدايش و تشديد تفاوت ها و تعارضات عقيدتي, ارزشي و هنجاري در بين افراد و گروه‌هاي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

اجتماعي منجر مي‌گردد. (عبداللهي, 1378: 127) در چنين شرايطي افراد و گروه هاي اجتماعي اگر از نظر خانوادگي نيز دچار نابساماني باشند , بر سر تشخيص اهداف و راه هاي نيل به اهداف دچار سرگرداني مي شوند و از نظر اخلاق نظري و اخلاق عملي دچار تعارض مي‌گردند و بر هنجارها و قواعد عمل نمي‌كنند و انگيزه مشاركت در امور عام‌المنفعه و خير عمومي را از دست مي دهند. اين افراد در جهت نيل به اهداف فردي با صرف هزينه‌هاي عمومي به خودخواهي خود ادامه مي‌دهند و از جامعه انتقام مي گيرند. (صالحي, 1378؛ عبداللهي, 1378)

در مجموع براساس جمع بندي نظريه هاي بيان شده؛ براي تعيين چگونگي قانون‌گريزي و عوامل مرتبط با آن سؤالات و فرضيه‌هاي زير مطرح شده‌اند.

ـ عمده‌ترين موارد قانون گريزي شهروندان كدام‌ها هستند؟

ـ سطح قانون گريزي از نظر مجموع موارد قانون‌گريزي در بين شهروندان چقدر است؟

فرضيه‌هاي پژوهش عبارتند از:

ـ ميزان قانون گريزي شهروندان براساس طبقه اقتصادي ـ اجتماعي آنان متفاوت است.

ـ ميزان قانون گريزي شهروندان تابع ميزان فقر اقتصادي ـ اجتماعي, فقر فرهنگي, نگرش منفي به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

قانون, فقر شهروندي, نگرش ديني و تحصيلات آنان است.

4) روش تحقيق

تحقيق حاضر از نظر كنترل شرايط پژوهش يك مطالعة پيمايشي (Survey) و از نظر زماني يك مطالعة مقطعي (Cross Sectional) مي‌باشد كه گردآوري داده ها به روش مصاحبه و با پرسشنامه انجام شده است.

4-1) جامعة آماري و حجم نمونه

جامعة آماري بررسي حاضر شامل كلية شهروندان بالغ شهر تبريز مي باشند كه در سال 1383 تعداد آنان برابر 720 هزارنفر مي‌باشد كه از بين آن‌ها طبق فرمول تعيين حجم نمونة كوكران با خطاي 0/01 و دقت برآورد d =0/05 و حداكثر واريانس pq =0/25 حدود 670 نفر نمونه پس از بلوك بندي كردن مناطق تبريز و با در نظر گرفتن تناسب حجم نمونه در هر طبقه, به طو ر تصادفي ساده از درون بلوك ها انتخاب شدند.

4-2) نحوه سنجش سازه‌ها (Constructs)

4-2-1) پايگاه اقتصادي ـ اجتماعي

طبق معيار شاخص پايگاه اقتصادي ـ اجتماعي نام ـ پاورز و با جمع رتبه هاي شغلي (4تا1) + رتبه دارايي و امكانات منزل (4تا1) + رتبه درآمد (4

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

تا1)، در مقياس رتبه‌اي محاسبه شد.

4-2-2) فقر فرهنگي

طبق معيار جيمز كلمن و با در نظر گرفتن موارد فوت يكي از والدين , طلاق والدين , كم‌توجهي خانواده, ناتواني جسمي, سابقه كيفري, نزاع و درگيري در خانواده, مورد سوءاستفاده قرار گرفتن, غيبت مدام يكي از والدين , داشتن والدين معتاد، در مقياس رتبه‌اي سنجيده شد.

4-2-3) ميزان شهروندگرايي

اين سازه در مقياس فاصله اي و براساس طيف ليكرت سنجيده شد كه عمده‌ترين معرف‌هاي آن عبارتند از: توانمندي شركت در مباحث سياسي, كار با رايانه, ارسال نامه الكترونيكي , تحليل مسائل فرهنگي , همكاري با سازمان هاي غيردولتي, پذيرش مسئوليت اجتماعي, دانستن اسامي نمايندگان شهر , استفاده از كارت‌هاي اعتباري, پس‌انداز 10 درصد از درآمد خود و خواندن سرود ملي.

4-2-4) نگرش ديني شهروندان

اين سازه با 10 گويه (Item) در مقياس فاصله اي و براساس طيف ليكرت سنجيده شد كه دامنه نمرات طيف بين صفر تا 100 تعيين گرديد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

4-2-5) نگرش به قانون

با 10 گويه و مطابق تكنيك طيف ليكرت در مقياس فاصله‌اي سنجيده شد كه دامنه طيف بين صفر تا 100 مي‌باشد.

4-3) اعتبار (Validity) و روايي (Reliability) سؤالات و گويه‌ها

اعتبار سؤالات از طريق تكنيك تحليل عامل ي و براساس ضرايب بارعاملي آن‌ها در هر يك از سازه‌هاي زيربنايي تعيين شد كه به دنبال آن نيز از طريق تكنيك گروه هاي شناخته شده براي تعيين اعتبار محتوايي سؤالات و گويه‌ها استفاده شد.

4-4) روش تجزيه و تحليل داده‌ها

داده‌هاي گردآوري شده با نرم افزار آماري Spss تجزيه و تحليل شدند. براي توصيف صفت‌هاي كمي از شاخص‌هاي مركزي و پراكندگي و براي توصيف صفت هاي كيفي درصد محاسبه شد. براي تعيين ارتباط سطوح پايگاه اقتصادي ـ اجتماعي با قانون‌گريزي، نگرش به قانون و شهروندگرايي از آزمون هاي پارامتري F و در نهايت براي تبيين چند م تغيري قانون‌گريزي از روي متغيرهاي مستقل مانند رتبة پايگاه اقتصادي ـ اجتماعي, فقر فرهنگي, شهروندگرايي, نگرش ديني, نگرش به قانون و سطح تحصيلات از رگرسيون چندگانه (Multiple Regression) استفاده شده

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

است.

5) يافته‌ها

در مطالعة حاضر 54/8 درصد از پاسخگويان مؤنث و 45/2 درصد مذكر بودند كه ميانگين سن آن‌ها 14/3 ± 35 سال با حداقل 18 و حداكثر 87 سال بود. از نظر وضعيت تأهل 37 درصد مجرد و 63 درصد متأهل و از نظر تحصيلات 7 درصد بي‌سواد, 7 درصد داراي سواد ابتدايي, 10/4 درصد تحصيلات راهنمايي, 38/4 درصد دبيرستان و ديپلم , 11/8 درصد فوق ديپلم, 20/6 درصد ليسانس و 4/8 درصد فوق ليسانس و دكتر ا بودند.

1- 5) وضعيت اقتصادي ـ اجتماعي افراد مورد مطالعه

در مطالعة حاضر وضعيت اقتصادي بر مبناي شغل , درآمد و ميزان دارايي خانوادگي افراد مورد مطالعه طبق شاخص رتبه گذاري پايگاه اقتصادي ـ اجتماعي نام ـ پاورز (Nam-Powers) سنجيده شده است. كه در نهايت 31/3 درصد در طبقة پائين (فقير), 60/7 درصد متوسط و 7/9 درصد در طبقة بالا (مرفه) قرار گرفتند.

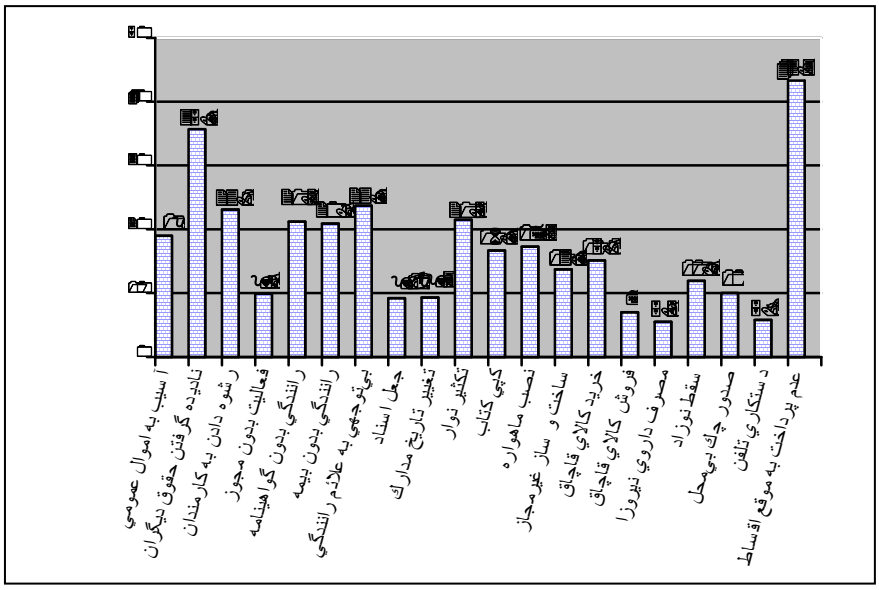
2-5) توزيع فراواني موارد قانون‌گريزي شهروندان

عمده‌ترين موارد قانون گريزي توسط شهروندان طبق نمودار شماره 1 عبارتند از: ناديده گرفتن حقوق

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

ديگران هنگام تأمين نيازمندي هاي روزانه، عدم پرداخت به موقع اقساط وام‌ها و كپي برداري يا تكثير غيرمجاز نوارهاي صوتي و تصويري بوده است. در مقابل كمترين نسبت موارد قانون‌گريزي استفاده از داروهاي نيروزاي غيرمجاز، خريد و فروش كالاي قاچاق, انجام فعاليت شغلي بدون اخذ مجوز بوده است و ساير مصاديق قانون گريزي نيز در نمودار فوق درج شده است. در مجموع 90 درصد از شهروندان مورد مطالعه حداقل يكبار در طول 6 ماه دوم سال 83 قانون‌گريزي داشته اند كه درصد بسيار بالايي است.

نمودار 1: توزيع فراواني قانون‌گريزي شهروندان



[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

5-3) توزيع پراكندگي ميزان قانون‌گريزي شهروندان

براساس اطلاعات جدول شماره 1 متوسط نمرات قانون‌گريزي شهروندان براساس مؤلفه هاي مندرج در نمودار شماره 1، 39/79 با انحراف استاندارد 18/39 به‌دست آمده است به طوري كه حداقل ميزان قانون‌گريزي صفر و حداكثر 100 مي‌باشد كه در مجموع ميزان قانون گريزي در بين شهروندان يك آسيب جدي تلقي مي شود زيرا سطح شيوع آن نسبتاً بالا مي‌باشد. به‌طوري كه با مقايسه نمرات گرايش به قانون ملاحظه مي شود هنجارمندي قوانين و ضمانت‌هاي اجرايي آن از نظر شهروندان به‌طور نسبي در حد پايين ارزيابي شده است.

جدول 1: توزيع پراكندگي قانون‌گريزي شهروندان

متغير	تعداد	ميانگين	انحراف استاندارد	ضريب كجي	كشيدگي	حداقل	حداكثر
قانون‌گريزي	670	39/79	18/39	/4221	2/072	0	100

5-4) توزيع پراكندگي نمرات نگرش به قانون

براساس اطلاعات جدول شماره 2 ميانگين گرايش به قانون و ارزيابي كاركردهاي آن در جامعه توسط شهروندان برابر 42/47 به‌دست آمده است به‌طوري‌كه حداقل نگرش در بين شهروندان صفر و حداكثر 100 مي‌باشد و نمرات قانون گرايي از پراكندگي بالايي برخوردار است ولي توزيع سطح قانون گرايي طبق

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

آزمون اسميرنف- كولموگروف نرمال است يعني شهروندان از نظر نگرش به قانون در طيف وسيعي قرار دارند. كه در جمع‌بندي نهايي ميزان نگرش به قانون پايين‌تر از حد متوسط است. زيرا حد متوسط 50 مي‌باشد.

جدول 2: توزيع پراكندگي نمرات نگرش به قانون

متغير	تعداد	ميانگين	انحراف استاندارد	ضريب كجي	كشيدگي	حداقل	حداكثر
نگرش به قانون	670	42/47	24/87	0/567	-0/223	0	100

5-5) توزيع پراكندگي ميزان شهروندگرايي شهروندان

ميزان شهروندگرايي شهروندان مورد مطالعه 42/3 درصد با انحراف استاندارد 26/3 و حداقل صفر و حداكثر 100 بوده است كه در مج موع ميزان شهروندگرايي كمتر از حد متوسط است ولي توزيع پراكندگي نمرات شهروندگرايي طبق آزمون اسميرنف كولموگروف نرمال است. يعني افراد با درجة بالا و پائين حدود 32 درصد و افراد با درجة شهروندگرايي متوسط 68 درصد مي‌باشند.

جدول 3: توزيع پراكندگي ميزان شهروندگرايي شهروندان

متغير	تعداد	ميانگين	انحراف استاندارد	ضريب كجي	كشيدگي	حداقل	حداكثر
شهروندگراي	670	42/35	26/31	/109	-0/945	0	100

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

			0				ي

5-6) توزيع پراكندگي نگرش ديني شهروندان

براساس اطلاعات جدول شماره 4 ميزان نگرش ديني شهروندان به طور متوسط 70/28 درصد با حداقل گرايش 3 و حداكثر 100 به‌دست آمده است كه در مجموع سطح گرايش ديني شهروندان در حد متوسط به بالا مي‌باشد.

جدول 4: توزيع پراكندگي نگرش ديني شهروندان

متغير	تعداد	ميانگين	انحراف استاندارد	ضريب كجي	كشيدگي	حداقل	حداكثر
نگرش ديني	670	70/28	17/51	-1/166	2/473	3/64	100

5-7) توزيع پراكندگي فقر فرهنگي شهروندان

همچنان‌كه قبلاً در اين مقاله اشاره شد، در سطح خرد فقر فرهنگي عبارت از قرار گرفتن در معرض انواع آسيب‌هاي اجتماعي و فرهنگي مي باشد كه فرد به طور مستقيم يا غيرمستقيم دچار آن است . مثل بي‌سوادي والدين يا بي سرپرستي و ... كه طبق اطلاعات جدول شماره 5 ميانگين سطح فقر فرهنگي برابر 4/57 با انحراف استاندارد 7/38 مي‌باشد كه حداقل نمره فقر فرهنگي صفر و حداكثر 45/45 به‌دست آمده است. از اين رو با در نظر گرفتن متوسط جامعه ملاحظه مي شود فقر فرهنگي از نظر آسيب‌هاي فرهنگي تعداد كمي از شهروندان را تهديد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

مي‌كند ولي در بين آن‌ها شهروندانی هستند كه به شدت دچار فقر فرهنگي هستند كه سطح قانون گريزي اين دسته از شهروندان در مدل رگرسيوني ارائه شده است.

جدول 5: توزيع پراكندگي فقر فرهنگي شهروندان

متغير	تعداد	ميانگين	انحراف استاندارد	ضريب كجي	كشيدگي	حداقل	حداكثر
فقر فرهنگي	670	4/57	7/38	2/13	5/7	0	45/45

5-8) مقايسه ميزان قانون گريزي براساس وضعيت اقتصادي (فقير, متوسط, مرفه)

از آن‌جا كه ميزان قانون‌گريزي در مقياس فاصله اي سنجيده شده است بنابراين از تحليل واريانس براي مقايسه سه طبقه اقتصادي, اجتماعي استفاده كرديم كه طبق اطلاعات جدول شماره 7 متوسط قانون‌گريزي طبقه فقير 22/7 ± 27/61، طبقه متوسط 14/4 ± 16/7 و طبقه مرفه 16/4 ± 12/4 به‌دست آمده است كه طبق معيار F=31/6 و p=0/000 اختلاف قانون‌گريزي در سه طبقه معني دار است. قانون‌گريزي نسبت به ساير طبقات در طبقه فقير بيشتر است ولي بين طبقه متوسط و بالا تفاوت معني‌داري وجود ندارد. p=0/218

5-9) مقايسه نگرش به قانون براساس طبقه اقتصادي ـ اجتماعي شهروندان

همچنين طبق اطلاعات جدول شماره 6 ميانگين گرايش به قانون گرايي در بين شهروندان طبقه پايين

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

(فقير) 2 ± 40/12، طبقه متوسط 25/3 ± 42/64 و طبقه بالا (مرفه) 26/8 ± 50/46 است كه طبق معيار F=3/7 و p=0/025 اختلاف نگرش به قانون گرايي براساس طبقه اقتصادي ـ اجتماعي شهروندان معني‌دار است و به ترتيب بيشترين نگرش در طبقه بالا و كمترين در طبقه پايين (فقير) است.

5-10) مقايسه ميزان شهروندگرايي افراد براساس طبقه اقتصادي ـ اجتماعي شهروندان

براساس اطلاعات جدول شماره 6 و مطابق با آزمون تحليل واريانس انجام شده ملاحظه مي شود كه ميزان شهروندگرايي افراد طبقه پايين (فقير) 21 ± 28/25، طبقه متوسط 25 ± 46/3 و طبقه بالا 23/6 ± 67/86 است كه طبق معيار F =31/6 و p = 0/000 تفاوت شهروندگرايي براساس طبقه اقتصادي ـ اجتماعي معني‌دار است و سطح شهروندگرايي افراد طبقه پايين بيش از دو طبقه ديگر است.

جدول 6: تحليل واريانس براي مقايسه قانون‌گريزي، گرايش به قانون و ميزان شهروندگرايي براساس طبقه اقتصادي ـ اجتماعي شهروندان

	طبقه	تعداد	ميانگين	انحراف استاندارد	اشتباه معيار	ميانگين مجذورات بين گروه	ميانگين مجذورات درون‌گروه	F	P
قانون‌گريزي	فقير	210	27/61	22/78	1/57	9793/17	309/89	/6031	/0000
	متوسط	407	16/71	14/39	0/71				

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

	بالا	53	12/42	16/40	2/25				
	کل	670	19/79	18/39	0/71				
نگرش به قانون	فقير	210	40/12	23/12	1/59	/1152276	613/68	3/70	/0250
	متوسط	407	42/64	25/31	1/25				
	بالا	53	50/46	26/80	3/68				
	کل	670	42/47	24/87	0/96				
شهروندگ رايي	فقير	210	28/25	20/99	1/44	41298/8	570/49	/3972	/0000
	متوسط	407	46/30	25/27	1/25				
	بالا	53	67/86	23/66	3/25				
	کل	670	42/35	26/31	1/01				

11ـ5) عوامل قانون‌گريزي شهروندان

براساس آزمون رگرسيون چندمتغيري به روش (Enter) و مطابق با جدول شماره 7 در تبيين ميزان قانون‌گريزي شهروندان از روي مجموع متغيرهاي مستقل موجود فرضيه شماره 2, ملاحظه مي‌شود ضريب همبستگي چندگانه برابر R = 0/636 و ضريب تبيين R^2 = 0/404 و ضريب تبيين خالص $\overline{R}^2$ = 0/401 به‌دست آمده است. يعني از روي متغيرهاي مستقل معني دار موجود در مدل مي توان تا حدود 40 درصد واريانس قانون‌گريزي شهروندان را تبيين كرد . در اين بين طبق ضرايب بتاي استاندارد شدة متغيرهاي مستقل ملاحظه مي‌شود پايگاه اقتصادي ـ اجتماعي با بتاي β = -0/245 ، ميزان گرايش ديني با β = -0/17 ، فقر اجتماعي با β = 0/1 ، نگرش به قانون با β = -0/09 و ميزان شهروندگرايي با β = -0/08 به ترتيب

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

بيشترين سهم را در ميزان قانون گريزي شهروندان دارند كه ارتباط متغيرهاي مستقل با وابسته نيز طبق تحليل واريانس معادله رگرسيوني خطي است (F=16/05 ، p= 0/000). در مجموع فقر اقتصادي ـ اجتماعي, پائين بودن نگرشي به قانون, پائين بودن نگرش ديني , فقر فرهنگي و فقر شهروندي تأثير معنيداري بر قانونگريزي شهروندان دارند و گزينه فقر در ابعاد مختلف خود سيستمي را تشكيل مي دهد كه فرد را براي قانونگريزي و عدم احساس مسئوليت در برابر قانون آماده مي سازد كه اين خود تعامل چند وجهي انواع آسيبهاي اجتماعي را فراهم ميآورد كه در معادل هي زير و براساس ضرايب بتاي استانداردشده مدل قانونگريزي برازش شده است.

قانونگريزي = 0/245 (پايگاه اقتصادي-اجتماعي) 0/17- (نگرش ديني) 0/09- (نگرش به قانون) 0/08 - (شهروندگرايي) 0/10+ (فقرفرهنگي)

جدول 7: تبيين قانونگريزي شهروندان براساس پايگاه اقتصادي ـ اجتماعي, فقر اجتماعي, نگرش به قانون, ميزان شهروندگرايي, ميزان نگرش ديني و تحصيلات

شاخصهاي آماري / مدل 1	ضريب همبستگي چندگانه	ضريب تبيين	ضريب تبيين خالص	اشتباه معيار برآورد مدل
مقادير	0/636	0/404	0/401	17/20394

جدول 8: ضرايب بتاهاي متغيرهاي مستقل مؤثر بر قانونگريزي شهروندان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

متغيرها	ضرايب استاندارد نشده		ضرايب استانداردشده	t	Sig.
	B	Std.Error	Beta		
مقدار ثابت	40/719	4/525		8/998	0/000
نگرش به قانون	-0/066	0/030	-0/090	2/178	0/030
شهروندگرايي	-0/057	0/033	-0/082	-1/743	0/048
نگرش ديني	-0/179	0/043	-0/170	-4/144	0/000
پايگاه اقتصادي-اجتماعي	-2/202	0/387	-0/245	-5/691	0/000
فقر فرهنگي	0/247	0/092	0/100	2/696	0/007
تحصيلات	0/568	0/577	0/047	0/985	0/325

متغير وابسته: قانون‌گريزي

6) نتيجه‌گيري

با توجه به اين‌كه هدف عمده, تبيين قانون‌گريزي براساس حوزه هاي ابعاد فقر بود؛ بنابراين در مؤلفه‌بندي فقر به ابعاد اقتصادي ، اجتماعي, فرهنگي, نگرشي و كنترل دروني در قالب مفهوم نگرش ديني پرداخته شد. قانون‌گريزي نيز براساس مصاديق و موارد عمدة آن از قبيل آسيب رساني به اموال عمومي, ناديده گرفتن حقوق مردم , رشوه دادن و رشوه گرفتن, اشتغال بدون مجوز, رانندگي بدون مجوز و بيمه, بي‌توجهي به علائم محيطي، جعل اسناد و مدارك, كپي كردن لوازم فرهنگي , قاچاق كالا, سقط نوزاد, صدور چك بلامحل و ناديده گرفتن قراردادهاي نهادي و قانوني سنجيده شد.

بنابراين در يافته هاي تحقيق حاضر كه به صورت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

پيمايشي اجرا شد مشخص گرديد كه 90 درصد از شهروندان در طول 6 ماهه دوم سال 1383 حداقل يكبار قانون‌گريزي داشته‌اند و 16 درصد فقط يكبار قانون‌گريزي كرده اند. اگر قانون گريزي را نوعي كج‌روي به حساب بياوريم و طبق نظريه كولي تبيين كنيم مي توانيم ادعا كنيم كه 16 درصد از شهروندان دچار قانون گريزي اوليه شده اند ولي 74 درصد از شهروندان دچار قانون گريزي ثانويه شده‌اند. يعني عمل قانون گريزي را استمرار مي‌بخشند و در اين ميان به ارزيابي هاي محيطي و منابع كنترل مي‌پردازند و اگر مكانيسم هاي نظارت وجود نداشته باشد احتمال تكرار قانون‌گريزي وجود دارد كه چنين وضعيتي از نظر آماري يك آسيب اجتماعي جدي تلقي مي شود. اما با بررسي شيوع قانون‌گريزي شهروندان ملاحظه شد كه مصاديق و شيوع قانون‌گريزي‌ها از وضعيت اقتصادي ـ اجتماعي ـ فرهنگي و ادراكات شهروندان تبعيت مي كند. از اين‌رو در تبيين نظري قانون گريزي مشخص گرديد كه تضاد اقتصادي ـ اجتماعي و شيوع فقر مهمترين عامل رفتارهاي قانون‌گريزي است و اين نه به دليل عوامل روان‌شناختي است بلكه به علت محدوديت‌هايي است كه از طريق طبقه مسلط بر ابزار و نهادهاي قدرت بر طبقه پائين و فقرا اعمال مي شود و قوانين داراي كاركردهاي مساوي براي همه طبقات نيستند و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

توانمنديهاي طبقات مختلف مورد توجه قرار نمي‌گيرند. در امتداد نظرية تضاد چمبرز نيز معتقد است نوسانات شديد اقتصادي و بي هنجاري اقتصادي شكاف طبقاتي را افزايش مي دهد كه در اين حالت اكثريت افراد جامعه قادر به تأمين نيازمندي هاي خود نمي‌شوند و در تله فقر گرفتار مي‌شوند كه اين نيز بر ناتواني, بي‌قدرتي, عدم هنجارپذيري آنان مي‌افزايد. (چمبرز, 1998: 83) مرتن نيز در نظريه ساختاري فرصت استدلال مي كند كه براي مردم فقير ابزار و اهداف اجتماعي بر هم منطبق نيستند بنابراين اين گروه به روشهاي جديد سعي بر انطباق اجتماعي مي‌نمايند و براي تطبيق پذيري رفتارهاي غيرقانوني را براي پاسخگويي به تقاضاها و رفع نيازهاي خود ضروري مي‌دانند. (مؤمني, 1381: 32)

از نظر مرتن اين گروه از افراد (فقرا) با توجه به نيازها, باورها, اعتقادات و قدرت تفكر و تحليل خود بر رفتارهاي قانون گريزانه صحه مي‌گذارند و آن را به عنوان اخلاق به طور ناخودآگاه دنبال مي‌كنند. (همان:33) در نتيجه به انواع فرافكني ها و تكنيك هاي خنثي سازي متوسل مي‌شوند و قانون‌شكني را حق عقب‌ماندگي يا ناتوان بودن فرد مي دانند كه مي توانند به بازده مثبت برسند. (صالحي,107:1378) ساترلند چنين وضعيتي را براساس الگوي انتقال فرهنگي تبيين كرده است كه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

باعث گسترش قانون گريزي و شيوع قانون گريزي به عنوان شكل‌گيري آسيب اجتماعي مطرح مي كند. (گر، 24:1379)

در ادامة مباحث فوق و طبق تبيين جغرافيايي و بوم‌شناختي قانون گريزي نيز برگس به مناطق انتقالي در حوزه هاي شهري توجه كرده است و با آسيب‌شناسي مناطق شهري تأييد كرد كه مناطق ويژه اي با مشخصات سطح بالاي تحرك , تراكم جمعيت, ويراني خانه ها, تنگ بودن كوچه ها و خيابان ها, پائين بودن سطح بهداشت عمومي و وجود گروه هاي خردفرهنگي همراه با پايگاه اجتماعي ـ اقتصادي پائين ساكنان اين مناطق مشخص مي شود. (احمدي, 58-59:1377) بنابراين در نظريه‌هاي ارائه شده مشخص گرديد كه فقر نه تنها در ابعاد اقتصادي بلكه در ابعاد فرهنگي , اجتماعي در زمينه سازي اعمال قانون‌گريزانه اهميت بسزايي دارد و متغيرهاي تعديل‌كننده اي مانند نداشتن الگوي زندگي مدني , ضعف اعتقادات ديني , بي‌سوادي و كم سوادي و آشنا نبودن با الگوهاي شهروندي قانون‌گريزي را افزايش مي‌دهد.

با توجه به مباني نظري فوق در تحقيق حاضر نيز ارتباط فقر با قانون گريزي, شهروندگرايي و نگرش به قانون بررسي شد كه در نتيجه مشخص گرديد سطح قانون‌گريزي در طبقه پائين جامعه بيشتر از ساير

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

طبقات است. در نتيجه تلقي مثبت از ابزارهاي نظم‌دهي و قوانين نيز در جامعه در طبقه پائين كمتر است ضمن آن‌كه در گروه طبقه پائين مهارت‌هاي لازم براي شهروندگرايي نيز بسيار پائين تر از طبقه متوسط و بالاي جامعه بود كه اين يافته نظرية مرتن و ساترلند را تأييد مي كند و مطابق با نظريه آن‌هاست.

همچنين يافته اخير با نظريه برگس نيز مطابقت دارد چرا كه از نظر برگس قانون گريزي نتيجة تعاملات فرهنگي و زيستي است كه در طبقه پائين بيشتر مصداق دارد.

طبق مدل رگرسيوني مشخص شد كه بسترهاي لازم براي قانون گريزي به ادراكات و نگرش هاي مثبت افراد به پيرامون محيطشان بستگي دارد. زيرا در درون همه طبقات سطحي از قانون گريزي وجود دارد ولي تكرار و شيوع آن در طبقه پائين به دليل وجود ابعاد ديگري از فقر شدت بيشتري دارد. اين عوامل عبارتند از فقر شهروندي و بيگانگي نسبت به قانون (نگرش منفي به قانون) كه مكانيسم خنثي‌سازي را در بين آن‌ها فعال مي كند و قانون‌گريزي را زرنگي تلقي مي كنند كه به راحتي نزد ساير افراد گروه خود مورد پذيرش قرار مي‌گيرد.

در اين مطالعه مشخص شد كه ضعف مباني ديني و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

گرايشي افراد نيز مستعدكننده قانون گريزي است و در مواردي كه افراد داراي مهارت هاي لازم براي تعاملات اجتماعي نباشند عامل كنترل كننده دروني (دين) مانع ارتكاب اعمال انحرافي و قانون گريزي مي‌گردد. چرا كه از نظر نگرش ديني بين طبقات تفاوت معني‌دار وجود نداشت ولي تأثيرگذاري نگرش ديني براي پيشگيري از اعمال قانون گريزانه در طبقه پائين بالاتر از طبقات بالاست زيرا در طبقه بالا م هارت‌هاي شهروندي بيش از نگرش ديني در پيشگيري از اعمال قانون‌گريزانه اهميت دارد.

7) پيشنهادهاي عملي

الف) شهروندگرايي و مهارت هاي شهروندي در پيشگيري از اعمال قانون گريزانه اهميت بسزايي دارد بنابراين لازم است تا از طريق فعال سازي انجمن‌هاي محلي و يا تشكل هاي غيردولتي با حمايت سازمان ملي جوانان براي جوانان و كانون هاي فرهنگي مساجد براي عموم شهروندان بتوان الگوي ارتباطات غيررسمي و هنجارمند را فراهم آورد تا از اين طريق نظارت هاي غيررسمي جايگزين نظارت رسمي گردد.

ب) قانون‌گريزي براساس عمل خنثي سازي تشديد مي‌شود بن ابراين لازم است از طريق اطلاع رساني رسانه‌اي موارد قانون‌گريزي همراه با پيامدهاي آن براي افراد از طريق شبكه هاي محلي گزارش شود تا

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

در نزد افراد پيامدهاي منفي قانون گريزي بيش از پيامدهاي مثبت آن جلوه نمايد.

ج) از آن‌جا كه بخشي از اعمال قانون‌گريزانه در نتيجه احساس فاصله بين افراد طبقات پائين با ساير طبقات و نهادهاي تنظيم كننده روابط است بنابراين لازم است از طريق شبكه هاي محلي و با مدنظر گرفتن برنامه هاي خاص و مستمر مشكلات و مسائل اين مناطق (فقير) از طريق دوربين نمايش داده شود و مردم به ابراز احساسات و مشكلات خود بپردازند تا اين‌كه احساس محروميت نسبي آنان در قالب اعمال خرابكارانه فعال نشود و احساس ناكامي‌ها در قالب بيانات شفاهي تخليه شود.

د) پيشنهاد مي‌شود به دليل محدوديت منابع براي تمركززدايي و توجه يكسان به توسعة همة مناطق , حتي اگر قرار است خدمات عمراني , زيربنايي و يا رفاهي به مناطق ارائه شود از طريق نيازسنجي و بسيج اهالي هر منطقه (مخصوصاً مناطق فقيرنشين) مشاركت در برنامه ريزي اجرا شود تا افراد احساس تعلق بيشتري به محيط و تعاملات خود در محيط داشته باشند تا از مصاديق قانون گريزي كاسته شود.

هـ) در اين بررسي مشخ ص شد كه فقر فرهنگي مانند داشتن خانواده ناقص و يا كم سواد نقش عمده اي در قانون گريزي داشته است بنابراين لازم

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

است تا از سنين 7 سالگي افراد داراي اين موقعيت مستقيماً در حمايت سازمان بهزيستي هلال احمر و يا ارشاد اسلامي و حتي سازمان ملي جوانان قرار گيرند تا بخشي از احساس ناتواني و كم‌توجهي آنان رفع شود و زمينه جامعه پذيري آنان در قالب نهادهاي اجتماعي صورت گيرد زيرا عدم جامعه‌پذيري و فرهنگ‌پذيري مناسب نقش عمده اي در قانون گريزي دارد.

و) توجه به مسئله قانون گريزی و قانون ستيزی به‌عنوان يک پديده اجتماعی آسيب زا با ساير پديده‌ها و مسائل اجتماعی همچون عقب ماندگی، بيکاری، نابرابری‌های رتبه ای و رابطه ای، فقر و محروميت، تبعيض و تعارض جنسی، قومی، مذهبی، ارتشاء و اختلاس، اعتياد، طلاق و از هم پاشيدگی روابط گرم خانوادگی، سرگردانی و حاشيه نشينی و ساير مسائل مرتبط است . بنابراين اقدام در جهت تقويت قانون‌گرايی بايد هماهنگ با تقويت عوامل و تضعيف موانع آن باشد كه در اين بين مشاركت حقيقی و همه جانبه مردم بايد از طريق تقويت نهادهای مدنی و رسانه ای و حتی آزادی مطبوعات و احزاب شكل گيرد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

منابع
References

1. ابطحی، سیدمصطفی . (1375)، **نقش فرهنگ سیاسی در فقدان قانون پذیری در جامعه** ، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان.
2. اتان بي , كاپشتاين. **امنيت ملي و توسعه اقتصادي**، ترجمه واحد فصلنامه مطالعات راهبردي, پيش شماره دوم.
3. آراسته‌خو, ﷺ. (1374)، **تأمين و رفاه اجتماعي**، انتشارات پيام نور, تهران.
4. ارسطو, (1270)، **اصول حكومت آتن** . ترجمه ﷺابراهيم پاريزي . چاپ سوم , تهران. شركت سهامي كتابهاي جيبي.
5. پيماني, ضياءالدين. **جرائم عليه امنيت و آسايش عمومي.**
6. جلالي‌مقدم, مسعود. (1379)، **درآمدي بر جامعه‌شناسي دين و آراء جامعه شناسان بزرگ دين**، تهران. نشر مركز.
7. چلبی، مسعود . (1375)، **جامعه‌شناسی نظم** ، نشر نی. چاپ اول، تهران.
8 . چمبرز, رابرت. (1998)، **توسعه روستائي** ، اولويت بخشي به فقرا . ترجمه مصطفي ازكيا . انتشارات دانشگاه تهران.
9. دواس, دي.اي. (1376)، **پيمايش در تحقيقات اجتماعي**، ترجمه هوشنگ نايبي , نشرني. چاپ اول. تهران.
10. روشندل, جليل. (1374)، **امنيت ملي و نظام بين‌المللي**، انتشارات سمت. تهران.
11. روزنامه اطلاعات شماره هاي 21487، 21486، 21489.
12. روزنامه همشهري, شماره 1702، 1377./9/5
13. سايق, ي. **چالشهاي مطرح براي قوام دولت در**

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

منابع
References

کشورهاي جهان سوم ، ترجمه مصطفي ايماني ؛ اطلاعات سياسي و اقتصادي, شماره 126-125.

14. سلطانی، ایرج . (1381)، **نقش و تأثیر قانون‌گرایی در بهداشت روانی جامعه** ، نشریه اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره 154-153.

15. شاهکار، عبدالحسین. (1378)، **قانون‌گرایی و جامعه مدنی**، نشریه کار و کارگر، آبان ماه 1378.

16. شهيدي, محسن. (1375)، **موادمخدر,** امنيت اجتماعي و راه سوم ، انتشارات اطلاعات . تهران.

17. صالحي, مصطفي. (1378)، **عوامل و موانع قانون‌گرايي**، فصلنامه فرهنگ عمومي ، شماره 21-20.

18. ضميمه روزنامه رسمي دادگستري جمهوري اسلامي، شماره 634.

19. طالب, مهدي. (1368)، **تأمين اجتماعي** ، انتشارات آستان قدس, تهران.

20. عبداللهی، محمد. (1378)، **موانع قانون‌گرایی در ایران**، نشریه فرهنگ عمومی، شماره21-20.

21. عظيمي, حسين. (1371)، **مدارهاي توسعه و توسعه نيافتگي در اقتصاد ايران** ، نشر ني. چاپ دوم. تهران.

22. علیخواه، فردین . (1382)، **علل و عوامل قانون‌گریزی**، نشریه انتخاب. شهریور 1382.

23. فکور، علی . (1378)، **قانون، قانون‌گرایی و گروه‌های اجتماعی**، نشریه فرهنگ عمومی. شماره 21-20، 98-94.

24. فراستخواه, مقصود. (1375)، **دين و امنيت** ؛ خلاصه مقالات سمينار توسعه و امنيت عمومي . تالار علامه اميني دانشگاه تهران.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

منابع
References

25. قاضی طباطبائی، محمود . (1371)، **تکنیک‌های خاص تحقیق**، انتشارات دانشگاه پیام نور.
26. کلمن, جیمز. (1377)، **بنيادهاي نظريه اجتماعي**، ترجمه منوچهر صبوري . تهران. نشرني.
27. گر, تدرابرت. (1379)، **چرا انسان ها شورش مي‌كنند**، پژوهشكده مطالعات راهبردي . چاپ دوم. تهران.
28. ماهرويي, ابوالحسن. (1381)، **حقوق و تكاليف شهروندي و قانون گريزي شهروندان** ، نشريه عدالت. شماره .15
29. ممتاز، فريده . (1381)، **انحرافات اجتماعي**، شركت سهامي انتشار. چاپ اول. تهران.
30. م‌ؤمني, پروين. (1381)، **قانون‌گريزي ـ علل و عوامل آن**، نشريه وكالت. شماره .5
31. ميلر, دلبرتسي. (1380)، **راهنماي سنجش و تحقيقات اجتماعي**، ترجمه هوشنگ نايبي . نشر ني. تهران.
32. Downes David. (1999), **"Crime and Deviance"** In Taylor Steve ed., "Sociology Issues and Debates", London: Macmillan Press, P.P. 231-252.
33. Liska Allen E.and Messner stenen F. (1999), **"Perspectives on crime and Deviance"**, New Jersey: Prentice Hall.
34. Miguel Melissa. (2001), **"John Hagan's Power Contral Theory"**, www, criminology. FSU. edu/crimtheory/hagan. htm.
35. Richards; M & WBLLS; A. (2004), **"Impacts of illegality & barriers to legality"**, Henduras, International Forestry Review.
36. Sampson, E.E. (1969), **"Studies in Status Congruence"**. In Berkowitz, L.(ed). Advances in Experimental social psychology. Academic press. NewYork.
37. Smith, D.M.(2000), **"Moral Geographies: Ethics in a world of difference".** Edinburgh University Press: Edinburgh.
38. Webster, Andrew. (1990), **"Introduction to the Sociology Development";**

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

Mac milian.

39. Wendorf, C.A., Alexander, s. and Firestone, I.J. (2002), **"Social Justice and moral reasoning: An Empirical integration of two paradims in psychological research"**. Social Justice Research, Vol. 15, No. 1, Marsh 2002:19-39.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]